

هو الله تعالى شأنه الحكمة والبيان - يا علي، عليك بهائي...

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



از آثار حضرت بهاء الله - آثار قلم اعلی - جلد ۳ (۱۶۳ بدیع)، لوح رقم (۱۴۵)، صفحه ۲۱۲ -

۲۰۹

هو الله تعالى شأنه الحكمة والبيان

یا علی، علیک بهائی، ذروه علیا و غایة قصوی و افق اعلی مقامی است که امّ الکتاب ناطق و لوح محفوظ ذاکر و مکلم طور بر عرش ظهور مستوی. این است آن ندائی که آذان عالم از برای اصغاء او خلق شده. طوبی از برای نفسی که حوادث عالم و سطوت امم او را از اسم اعظم منع نمود و محروم نساخت. امروز جمیع اشیاء به انوار توحید حقیقی مزین و منور از حق بطلبید عباد خود را از عطایش منع ننماید و وجود را از ظهور جودش محروم نسازد. لحاظ عنایت متوجه اولیا بوده و هست و اولیاء نفوسی هستند که از ما سوی الله فارغ و آزادند، به جبل محبت الهی متمسکند و بما نزل فی الکتاب عامل، و بر امر بشائی مستقیمند که از برای ملحدین و ناعقین و خادعین مجال ذکر نبوده و نیست. در ظل علم انتی انا الله ساکنند و به صریر قلم اعلی زنده و مسرور. ایشانند عبادی که وصفشان در کتب الهی از قبل و بعد مذکور از کوثر بیان نوشیده اند و از ریح مَحْتوم قسمت برده اند. ضوئاً عالم نزدشان احقر از طنین ذباب، لله ناطقند و الی الله راجع. طوبی لک یا علی بما اقبلت و هاجرت و توجهت الی ان وردت مقاماً ارتفع فیه حقیف سدرۃ المبارکة و خریر ماء الاحدیة و هزیز اریاح الابدیة. انه ایدک و وفّک علی الحضور تلقاء وجهه و القیام لدی بابه و اصغاء ندائه و مشاهدة افقه. اشکر الله فی اللیالی والایام بهذا الفضل الذی فزت انت و ابنک و من معک به فی السّجن الاعظم انه هو الفضّال الکریم. قل الحمد لله ربّ العالمین. نامه های اهل قاف که از قبل و بعد به آن جناب ارسال نموده اند عبد حاضر لدی الوجه عرض نمود و بشرف اصغاء فائز. انا ذکرناهم و نذکرهم و نبشّره بعنایتی و رحمتی و نوصیهم بما ینبغی للمقرّبین فی ایام الله محبوب العارفین. انا نذکرهم بعنایتی و نذکرهم بآیاتی و نرهم امواج بحر کرمی و اشراقات انوار شمس فضلی ان ربک هو المقتدر علی ما یشاء لاله الا هو العزیز الحمید. کذلک انزلنا نعمة عرفانی و مائدة بیانی و اثمار سدرۃ عنایتی لعمر الله ان المظلوم یدکر اولیائه فی کلّ الاحیان و یأمرهم بما تظهر مقاماتهم بین اهل الامکان. یا حزب الله انصروا ربکم الرحمن بالحکمة و البیان و بجنود الاعمال و الاخلاق لیتضوّع منها عرف الرضاء و انا المبین العلیم. فی الاسحار نذکر الابرار و فی اللیالی و الایام ما توقّف قلم المختار. طوبی لعبد انجذب من صریرة و اقبل بقلبه الی افقه و ویل لكل غافل مریب. ذکر جناب سمندر علیه بهائی و قاسم و محمد علیهما بهاء الله نمودند نامه های ایشان از قبل فائز و جمیع اسماء مذکوره هریک بذکر حقّ و عنایت حقّ و فضل حقّ مزین از حق میطلبیم ایشانرا بر حفظ این ذکر اعلی و رتبه علیا مؤید فرماید. و نذکر فی هذا المقام ضلع من سنی بعد الحسین



ORIGINAL

فى لوح لآح من افقه شمس عناية ربه العزيز البديع. و نساله تعالى ان يكتب لها ما ينبغى لجوده و فضله انه لا يعجزه شئ و لا يمنعه امر يفعل ما يشاء و يحكم ما يريد. و نذكر امتى الاخرى التى اخت لطفلى اقبلت و فازت و نبشرها بما تحرّك على ذكرها قلبى الذى بحركته تحرّكت الكائنات و توجهت الموجودات الى انوار وجهى المشرق المنير. ثم امتى الاخرى ضلع المرحوم عبدالصمد الذى آمن بالله المهيمن القيوم. نسال الله تعالى ان يغفرهنّ و يكفر عنهنّ جريراتهنّ و يدخلهنّ فى الجنة العليا المقام الذى فيه تنطق الذرات ادخلوا ادخلوا يا اهل البهاء واصحاب السفينة الحمراء نحن نشتاق لقاءكم و ذكركم و ثنائكم و القيام على خدمتكم و الطواف فى حولكم قد خلقنا الله لخدمتكم و خدمتكم ادخلوا ادخلوا ادخلن ادخلن بسلام من الله و رحمة من عنده و فضل من جانبه و نور من لدنه انه هو ارحم الراحمين و اله من فى السموات و الارضين و مقصود افئدة العارفين و محبوب قلوب المشتاقين. البهاء المشرق اللائح من افق سماء عنايتى عليك و على الذين ما منعهم شئ من الاشياء عن مالک الاسماء و فاطر السماء اقبلوا و قالوا لك الحمد يا اله الغيب و الشهود.